



گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِي خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى





## موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبر خاتم؛ یاران و همسران پیامبر خاتم

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### هشت گفتار از آن جناب درباره‌ی ضرورت احترام به صحابه و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱. أَخْبَرَنَا عَيْسَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْجَوْزَجَانِيُّ، قَالَ: دَخَلَ عَلَى الْمَنْصُورِ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ، فَقَالَ لَهُ: مِنْ أَيِّ الْبِلَادِ أَنْتَ؟ قَالَ: مِنْ إِيْرَانَ، فَقَالَ: أَنْتَ مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ شِيعَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: اجْلِسْ فَسَأَجِيبُكَ عَمَّا سَأَلْتَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَجَلَسَ الرَّجُلُ حَتَّى دَخَلَ النَّاسُ وَازْدَحَمُوا فِي الْبَيْتِ، فَكَلَّمَهُمُ الْمَنْصُورُ فِيمَا يَشَاءُ ثُمَّ قَالَ: قَدِمَ الْمَدِينَةَ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَجَلَسُوا إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فَذَكَرُوا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ فَمَسُوا مِنْهُمَا ثُمَّ ابْتَرَكُوا فِي عُثْمَانَ ابْتِرَاكًا، فَقَالَ لَهُمْ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ: أَخْبِرُونِي أَنْتُمْ مِنَ «الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَوْلِيكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»<sup>۱</sup>؟ قَالُوا: لَسْنَا مِنْهُمْ، قَالَ: فَأَنْتُمْ مِنَ «الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤِثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»<sup>۲</sup>؟ قَالُوا: لَسْنَا مِنْهُمْ، قَالَ: أَمَّا أَنْتُمْ فَقَدْ تَبَرَّأْتُمْ مِنَ الْفَرِيقَيْنِ أَنْ تَكُونُوا مِنْهُمْ وَأَنَا أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَسْتُمْ مِنَ الْفِرْقَةِ الثَّالِثَةِ «الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»<sup>۳</sup>، ثُمَّ قَالَ: قَوْمُوا عَنِّي لَا قَرَّبَ اللَّهُ دُورَكُمْ!

### ترجمه‌ی گفتار:

عیسی بن عبد الحمید جوزجانی ما را خبر داد، گفت: مردی بر منصور وارد شد، پس از او درباره‌ی ابو بکر و عمر و عثمان پرسید، پس به او فرمود: تو از کدام سرزمین هستی؟ گفت: از ایران، فرمود:

۱. الحشر / ۸

۲. الحشر / ۹

۳. الحشر / ۱۰

تو از این‌هایی هستی که می‌پندارند شیعه‌ی اهل بیت‌اند؟ گفت: آری، فرمود: بنشین، جواب سؤالت را خواهم داد ان شاء الله، پس مرد نشست تا اینکه مردم وارد شدند و در خانه ازدحام کردند، پس منصور با آنان درباره‌ی چیزی که می‌خواست سخن گفت و سپس فرمود: گروهی از اهل عراق به مدینه آمدند، پس نزد علی بن الحسین نشستند، پس ابو بکر و عمر را یاد کردند و به آن دو بد گفتند و سپس در عثمان افتادند، پس علی بن الحسین به آنان فرمود: به من خبر دهید آیا شما از مهاجران هستید که «از خانه‌ها و اموال خود بیرون شدند و فضل و رضوانی از پروردگارشان را می‌جویند و خداوند و پیامبرش را یاری می‌کنند و آنان همان راستگویانند»؟! گفتند: ما از آنان نیستیم، فرمود: پس آیا شما از کسانی هستید که «پیش از آنان خانه و ایمان را آماده ساختند و کسانی که به نزدشان هجرت کردند را دوست می‌دارند و در سینه‌هاشان نیازی به چیزی که آنان داده شدند نمی‌یابند اگرچه خود در تنگنا باشند»؟! گفتند: ما از آنان نیستیم، فرمود: بنابراین شما تبری جستید که از این دو دسته باشید و من گواهی می‌دهم که شما از دسته‌ی سوم هم نیستید؛ «کسانی که بعد از آنان آمدند می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان که بر ما در ایمان پیشی گرفتند را بیامرز و در دل‌ها مان کینه‌ای از کسانی که ایمان آوردند قرار نده، پروردگارا! تو رؤوف و مهربانی»، سپس فرمود: از نزد من بر خیزید که خداوند خانه‌های شما را نزدیک نکند!

۲. أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ الطَّهْرَانِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، فَقَالَ: اسْتَغْفِرُ لَهُمَا فَإِنِّي اسْتَغْفِرُ لَهُمَا وَمَا كَانَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا وَهُوَ يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا، فَقُلْتُ: إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ هَذَا مِنْكُمْ تَقِيَّةٌ، فَقَالَ: لَوْ كُنْتُ مُتَّقِيًا أَحَدًا لَا تَقِيَّتُ هَذِهِ الْجَبَابِرَةَ وَأَنَا أَلْعَنُهُمْ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ!

### ترجمه‌ی گفتار:

حسن بن قاسم طهرانی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی ابو بکر و عمر پرسیدم، پس فرمود: برای آن دو استغفار کن؛ چراکه من برای آن دو استغفار می‌کنم و هیچ یک از اهل بیت نبود مگر اینکه برای آن دو استغفار می‌کرد، پس گفتم: آنان می‌پندارند که این از شما تقیه است، پس فرمود: اگر می‌خواستم از کسی تقیه کنم از این جباران (یعنی حاکمان کنونی) تقیه می‌کردم، در حالی که آنان را در برابر شاهدان لعنت می‌کنم!

۳. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الشِّيرَازِيُّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الْمَنْصُورِ لِأَسْأَلَهُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، فَوَجَدْتُ عِنْدَهُ قَوْمًا، فَصَبَرْتُ حَتَّى خَرَجُوا مِنْ عِنْدِهِ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، مَا تَقُولُ فِي أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ؟ فَقَالَ: خَيْرًا، قُلْتُ: إِنِّي أَلْعَنُهُمَا، قَالَ: لِمَاذَا؟ قُلْتُ: لِأَنَّهُمَا ظَلَمَاكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، قَالَ: وَلَكِنَّا نَسْتَغْفِرُ لَهُمَا.

### ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن ابراهیم شیرازی ما را خبر داد، گفت: به محضر منصور رسیدم تا از او درباره‌ی ابو بکر و عمر بیروسم، پس نزد او گروهی را یافتم، پس صبر کردم تا آنان بیرون رفتند، پس به او گفتم: فدایت شوم، درباره‌ی ابو بکر و عمر چه می‌فرمایی؟ پس فرمود: خیر، گفتم: من آن دو را لعن می‌کنم، فرمود: برای چه؟ گفتم: برای اینکه آن دو به شما اهل بیت ستم کردند، فرمود: ولی ما برای آن دو استغفار می‌کنیم.

۴ . أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ دَاوُدَ الْفَيْضِ أَبِي دَاوُدَ، قَالَ: وَجَدْتُ الْمَنْصُورَ فِي غَارٍ وَقَدْ هَرَبَ مِنْ أَعْدَائِهِ وَالْعَرَقُ يَسِيلُ مِنْهُ كَالْمِيزَابِ، فَلَمَّا رَأَيْتُهُ بَكَيْتُ فَقُلْتُ: فَعَلَّ اللَّهُ بِرَجُلَيْنِ أَقَامَاكَ هَذَا الْمَقَامَ! فَقَالَ لِي: يَا بُنَيَّ! لَا تَقُلْ هَذَا فَإِنَّهُمَا مَا عَلِمَا أَنَّ الْأَمْرَ يَبْلُغُ هَذَا الْمَبْلَغَ وَلَكِنَّ قُلَّ: غَفَرَ اللَّهُ لَهُمَا، فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَكَ وَلِي وَلِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ.

### ترجمه‌ی گفتار:

علی بن داوود فیض‌آبادی ما را خبر داد، گفت: منصور را در غاری یافتم، در حالی که از دشمنانش گریخته بود و عرق از او مانند ناودان می‌ریخت، پس چون او را دیدم گریه‌ام گرفت، پس گفتم: خداوند با آن دو مرد که تو را در این وضع قرار دادند چه کند! پس به من فرمود: ای پسر! این را نگو؛ زیرا آن دو نمی‌دانستند که کار به اینجا می‌رسد، ولی بگو: خداوند آن دو را ببخشد؛ زیرا این برای تو و برای من و برای همه‌ی مسلمانان بهتر است.

۵ . أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الطَّلِقَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ عَلِيًّا ظَفَرَ بِمُعَاوِيَةَ يَوْمَ الصَّفِيِّنَ لَمَلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَلَكِنَّ مَنَعَهُ الْخَوَارِجُ فَأَخَّرَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ، فَسَيَخْرُجُ فَيُحَارِبُ رَجُلًا مِنْ ذُرِّيَّةِ مُعَاوِيَةَ فَيَظْفِرُ بِهِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا! ثُمَّ أَخَذَ الْمَنْصُورُ فِي ذِكْرِ يَوْمِ الصَّفِيِّنَ فَقَالَ: لَمَّا اخْتَلَفَتِ الْأَسِنَّةُ وَمَاجَتْ لُبُودُ الْحَيْلِ خَرَجَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَخَرَجَ إِلَيْهِ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فِي جَمْعَيْنِ عَظِيمَيْنِ فَافْتَتَلُوا كَأَشَدِّ الْقِتَالِ، ثُمَّ إِنَّ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ أَرْسَلَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ أَنْ اخْرُجْ إِلَيَّ أَبَارِزُكَ، فَخَرَجَ إِلَيْهِ يَمِثِي، فَبَصُرَ بِهِ عَلِيٌّ، فَقَالَ: مَنْ هَذَا مِنَ الْمُتَبَارِزِينَ؟ فَقِيلَ لَهُ: ابْنُ الْحَنْفِيَّةِ وَابْنُ عُمَرَ، فَحَرَكَ عَلِيٌّ دَابَّتَهُ ثُمَّ دَعَا مُحَمَّدًا فَوَقَفَ لَهُ فَقَالَ: أَمْسِكْ دَابَّتِي، فَأَمْسَكَهَا لَهُ ثُمَّ مَشَى إِلَيْهِ فَقَالَ: أَنَا أَبَارِزُكَ فَهَلُمَّ إِلَيَّ، فَقَالَ: لَيْسَ لِي فِي مُبَارَزَتِكَ حَاجَةٌ، فَرَجَعَ ابْنُ عُمَرَ وَأَخَذَ ابْنُ الْحَنْفِيَّةِ يَقُولُ لِأَبِيهِ: مَنَعْتَنِي مِنْ مُبَارَزَتِهِ، فَوَاللَّهِ لَوْ تَرَكْتَنِي لَرَجَوْتُ أَنْ أَقْتُلَهُ، فَقَالَ: يَا بُنَيَّ! لَوْ بَارَزْتُهُ أَنَا لَقَتَلْتُهُ وَلَوْ بَارَزْتُهُ أَنْتَ لَرَجَوْتُ أَنْ تَقْتُلَهُ وَمَا كُنْتُ آمِنًا أَنْ يَقْتُلَكَ،

فَقَالَ مُحَمَّدٌ: يَا أَبَهُ! أَتَبَرُّزُ بِنَفْسِكَ إِلَى هَذَا الْفَاسِقِ اللَّئِيمِ عَدُوِّ اللَّهِ؟ وَاللَّهِ لَوْ أَبُوهُ يَسْأَلُكَ الْمُبَارَزَةَ لَرَغِبْتَ بِكَ عَنْهُ، فَقَالَ: يَا بُنَيَّ! لَا تَذْكُرْ أَبَاهُ وَلَا تَقُلْ فِيهِ إِلَّا خَيْرًا، يَرْحَمُ اللَّهُ أَبَاهُ!

### ترجمه‌ی گفتار:

احمد بن عبد الرحمن طالقانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: اگر علی در روز صفین بر معاویه چیره می‌شد، هرآینه زمین را از عدل و داد پر می‌کرد همان طور که از ظلم و ستم پر شده بود، ولی خوارج او را باز داشتند، پس خداوند آن را تا مردی از ذریه‌ی او به تأخیر انداخت که به او مهدی گفته می‌شود، پس به زودی خروج می‌کند، پس با مردی از ذریه‌ی معاویه می‌جنگد، پس بر او چیره می‌شود، پس زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان طور که از ظلم و ستم پر شده است! سپس منصور به توصیف روز صفین پرداخت و فرمود: هنگامی که نیزه‌ها به هم خورد و زین اسب‌ها کج شد، محمد بن علی بن ابی طالب بیرون آمد و عبید الله بن عمر بن الخطاب به سوی او خارج شد در دو جمع عظیم، پس به سخت‌ترین شیوه با یکدیگر جنگیدند، سپس عبید الله بن عمر به نزد محمد بن حنفیه فرستاد که به سوی من بیرون بیا تا با تو مبارزه کنم، پس (محمد) پیاده به سوی او بیرون شد، پس چشم علی به او افتاد، پس فرمود: این دو مبارز کیستند؟ گفته شد: ابن حنفیه و ابن عمر، پس علی اسب خود را حرکت داد و سپس محمد را فرا خواند، پس به نزد او آمد، پس فرمود: اسب من را نگاه دار، پس اسب او را نگاه داشت، سپس آن حضرت پیاده به سوی ابن عمر رفت و فرمود: من با تو مبارزه می‌کنم، پس به سوی من بیا! پس او گفت: من را به مبارزه با تو حاجتی نیست! پس ابن عمر بازگشت و ابن حنفیه رو به پدر خود کرد و گفت: من را از مبارزه با او بازداشتی، در حالی که به خدا سوگند اگر من را او می‌گذاشتی امید داشتم که او را بکشم، پس آن حضرت فرمود: پسر من با او مبارزه می‌کردم او را می‌کشتم و اگر تو با او مبارزه می‌کردی امید داشتی که او را بکشی و من ایمن نبودم که او تو را بکشد، پس محمد گفت: پدر! آیا خودت را با این فاسق پست و دشمن خدا روبه‌رو می‌کنی؟! به خدا سوگند اگر پدر او (عمر) تو را به مبارزه می‌طلبید تو را از او والاتر می‌دانستم (که به مصافش بروی)، پس آن حضرت فرمود: پسر من! پدر او را یاد نکن و درباره‌اش جز خیر نگو، خداوند پدر او را بیامرزد!

۶ . أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: هَلْ أَنْتَ تَسْتَغْفِرُ لِأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: وَلِمُعَاوِيَةَ؟ قَالَ: لَا، قُلْتُ: لِمَذَا؟ قَالَ: لِأَنَّ عَلِيًّا بَايَعَ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَحَارَبَ مُعَاوِيَةَ وَلَيْسَ مِنْ بَايَعِهِ كَمَنْ حَارَبَهُ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَلَ سَيْفَهُ عَلَى خَلِيفَةِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ، قُلْتُ: فَمَا تَقُولُ فِي أَصْحَابِ الْحَمَلِ؟ قَالَ: أَمَّا عَائِشَةُ فَقَدْ تَابَتْ إِنَّ شَاءَ اللَّهُ وَأَمَّا الزُّبَيْرُ فَقَدْ هَرَبَ وَلَمْ يُجَارِبْ وَأَمَّا طَلْحَةُ فَوَاللَّهِ لَا أَدْرِي مَا أَقُولُ فِيهِ!





### ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن عبد الرحمن هروی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: آیا تو برای ابو بکر و عمر و عثمان استغفار می‌کنی؟ فرمود: آری، گفتم: و برای معاویه؟ فرمود: نه، گفتم: برای چه؟ فرمود: برای اینکه علی با ابو بکر و عمر و عثمان بیعت کرد و با معاویه جنگید و کسی که با او بیعت کرد مانند کسی نیست که با او جنگید، سپس فرمود: هر کس شمشیرش را به روی خلیفه‌ی خداوند و پیامبرش بکشد، مشرک است، گفتم: پس درباره‌ی اصحاب جمل چه می‌گویی؟ فرمود: اما عایشه توبه کرد ان شاء الله و اما زبیر گریخت و نجنگید و اما طلحه به خدا سوگند نمی‌دانم درباره‌اش چه بگوییم!

۷. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبْزَوَارِيُّ، قَالَ: سُئِلَ الْمَنْصُورُ عَنْ عَائِشَةَ فَقَالَ: إِنَّ عَيْسَى بْنَ دِينَارٍ سَأَلَ عَنْهَا أَبَا جَعْفَرٍ فَقَالَ: اسْتَغْفِرَ اللَّهُ لَهَا، أَمَا بَلَغَكَ أَنَّهَا كَانَتْ تَقُولُ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ شَجْرَةَ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ حَجْرًا يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَدْرَةً؟ قَالَ: وَمَا ذَاكَ مِنْهَا؟ قَالَ: تَوْبَةٌ.

### ترجمه‌ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی عایشه سؤال شد، پس فرمود: عیسی بن دینار درباره‌ی او از ابو جعفر (باقر) سؤال کرد، پس فرمود: برای او از خداوند آمرزش بخواه، آیا به تو نرسیده است که او می‌گفت: ای کاش درختی بودم! ای کاش سنگی بودم! ای کاش کلوخی بودم! (عیسی بن دینار) گفت: این سخن از او چه بود؟ فرمود: توبه.

۸. أَخْبَرَنَا ذَاكِرُ بْنُ مَعْرُوفٍ الْخُرَّاسَانِيُّ، قَالَ: دَخَلَ عَلَى الْمَنْصُورِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ إِيرَانَ، فَسَأَلَهُ عَنْ أَشْيَاءَ فَأَجَابَهُ ثُمَّ قَالَ الرَّجُلُ: أَوْصِنِي، فَقَالَ لَهُ الْمَنْصُورُ: لَا تَسِبْ أُمَّكَ! فَتَعَيَّرَ الرَّجُلُ وَقَالَ: وَهَلْ يَسِبُ أَحَدًا أُمَّهُ؟! فَقَالَ الْمَنْصُورُ: نَعَمْ، يَسِبُ بَعْضَ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَيَسِبُ أُمَّهُ! قَالَ الرَّجُلُ: إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ إِنَّمَا سَمَّاهُنَّ اللَّهُ أُمَّهَاتٍ لِتَحْرِيمِ نِكَاحِهِنَّ، فَقَالَ الْمَنْصُورُ: كَذَبُوا، لَوْ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ لَسَمَّاهُنَّ أَخَوَاتٍ، قَالَ الرَّجُلُ: إِنَّ الَّتِي تَذْكُرُهَا حَارِثَتُ عَلِيًّا وَفَعَلَتْ وَفَعَلَتْ، فَقَالَ الْمَنْصُورُ: وَهَلْ جَاهَدَتِ النَّاسَ عَلَى أَنْ يُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ؟ قَالَ الرَّجُلُ: لَا، فَقَالَ الْمَنْصُورُ: أَلَا وَاللَّهِ لَوْ جَاهَدَتِ النَّاسَ عَلَى أَنْ يُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ لَكَانَ وَاجِبًا عَلَيْهِمْ أَنْ يُصَاحِبُوهَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا، أَتَدْرِي لِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ الرَّجُلُ: لِمَكَانِ الْآيَةِ؟ قَالَ الْمَنْصُورُ: لِأَنَّ سَبَّهَا كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ كَمَا يُؤْذِيكُمْ سَبُّ أَزْوَاجِكُمْ!



### ترجمه‌ی گفتار:

ذاکر بن معروف خراسانی ما را خبر داد، گفت: مردی از اهل ایران بر منصور وارد شد و از او درباره‌ی چیزهایی پرسید، پس او پاسخ داد، سپس مرد گفت: من را وصیت کن، پس منصور به او فرمود: مادرت را دشنام نده! پس مرد متغیّر شد و گفت: مگر کسی مادرش را دشنام می‌دهد؟! منصور فرمود: آری، برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دشنام می‌دهد، پس مادرش را دشنام می‌دهد! مرد گفت: این‌ها می‌گویند که خداوند آنان را فقط برای تحریم نکاحشان مادر نامیده است، منصور فرمود: دروغ می‌گویند، اگر چنان بود که می‌گویند آنان را خواهر می‌نامید (نه مادر)، مرد گفت: زنی که تو یاد می‌کنی با علی جنگید و چنین کرد و چنان کرد، پس منصور فرمود: و آیا با مردم در کوشش شد که برای خداوند چیزی را شریک گیرند که به آن علمی ندارند؟! مرد گفت: نه، منصور فرمود: آگاه باش که به خدا سوگند اگر با مردم در کوشش می‌شد که برای خداوند چیزی را شریک گیرند که به آن علمی ندارند، باز هم بر آنان واجب بود که در دنیا با او به نیکی مصاحبت کنند، آیا می‌دانی برای چه؟ مرد گفت: برای آیه؟ منصور فرمود: برای اینکه دشنام دادن به او پیامبر را می‌آزرد همان طور که دشنام دادن به همسرانتان شما را می‌آزارد!

### شرح گفتار:

برای خواندن شرحی بر این گفتارهای بسیار مهم که منعکس کننده‌ی موضع اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به صحابه و همسران آن حضرت و زمینه‌ساز وحدت حقیقی میان مسلمانان است، به پرسش و پاسخ ۲۷۵ مراجعه کنید.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی، حفظ الله تعالی



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.